

به نام خدا

# پا به پای کاروان

از مکه تا مدینه

از مدینه تا کربلا

مرتضی تاجیک

انتشارات ارسطو  
(چاپ و نشر ایران)

۱۳۹۷

سرشناسه: تاجیک، مرتضی، ۱۳۴۳ -  
عنوان و نام پدیدآور: پایه پای کاروان: از مکه تا مدینه، از مدینه تا  
کربلا/ مولف مرتضی تاجیک.  
مشخصات نشر: مشهد: ارسطو، ۱۳۹۶.  
مشخصات ظاهری: ۴۰ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۲۲۹-۴  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
عنوان دیگر: از مکه تا مدینه، از مدینه تا کربلا.  
موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴  
موضوع: Persian poetry -- 20th century  
موضوع: شعر مذهبی فارسی -- قرن ۱۴  
موضوع: Religious poetry, Persian -- 20th century  
موضوع: واقعه کربلا، ۶۱ق -- شعر  
موضوع: Karbala, Battle of, Karbala, Iraq, 680 -- Poetry  
رده بندی کنگره: PIR۸۳۳۷: ۱۳۹۶ ب۲ ۳۲الف/  
رده بندی دیویی: ۸۱/۶۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۹۹۰۴۲

نام کتاب: پایه پای کاروان  
سروده: مرتضی تاجیک  
ناشر: ارسطو (با همکاری سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۷  
چاپ: مهتاب  
قیمت: ۵۰۰۰ تومان  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۲۲۹-۴  
تلفن های مرکز پخش: ۳۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۵۰۹۶۱۴۶ - ۵۱ -  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران

## به نام آنکه لطفش تا ابد مشمول حالم هست

دفتری که پیش روست غزل واره ایی بود که بی اراده از قلم جاری و چون چشمه ایی جوشان بسط پیدا کرد و ترکیب بندی را ساخت که از مکه مکرمه با پیمبر مهربانی هم قدم و تا کربلای معلای پا به پای کاروان نور همراه شد، به یقین نزول عنایت کاروان سالار در بند بند این ترکیب بر قلم شکسته ام مشهود است اگر چه ظرفیت اندک این حقیر توان دریافت بیش از این را از قلمم دریغ داشت، اما اصل، عنایتی بود که این جوشش را اینچنین جاری ساخت، ضعفها و کاستیهای فراوان در این دفتر، هر چه هست همه از وجود نا همگون و شکسته این کمترین است که جز به عنایتش ترمیم شدنی نخواهد بود، اما آنچه را که بدان اعتقاد دارم جریان رودی خروشان است که از مکه مکرمه آغاز و در کربلای معلای به اوج کمال خود رسید و همچنان در امتداد تاریخ جریان خواهد داشت و با آبیاری قلوب مستعد آزادیخواهان عالم، بذریع وجودشان را بارور خواهد ساخت و در انتها به دریای بیکران مهدویت ملحق خواهد شد، اینک همراهی با این کاروان تا عاقبت کار، تنها آرزویم گردیده است باشد که روا شود، ان شاء الله

م فریاد

## بند اول

امشب ای دل دل پریشانم بیا  
وز غم آمد بر لبم جانم بیا

آتشی در سینه باشد شعله ور  
آه مثل کوره سوزانم بیا

چون کفی از موج دریا بی نصیب  
ذره ایی در دست طوفانم بیا

در گلو پیچیده بر هم عقده ها  
چرخش موجی خروشانم بیا

آتشم را کی فرو گیرد نسیم  
تشنه ی رگبار بارانم بیا

خیمه ی دار العزا گردیده ام  
درد خود را هم نمی دانم بیا

باده ایی خواهم که هشیارم کند  
مست خود سازد گرفتارم کند

## نزدوم

خَمّ می لبریز و ساقی انتظار  
زیر لب نجوای عشقی بیقرار

دامنش لبریز از خورشید بود  
بر زمین و آسمان امیدوار

آمد از معشوق فرمان قیام  
مست باید کرد این قوم خمار